

Women and the Ability to Participate in Society According to the Constitution

Mehrnoush Khademi 

PhD in Islamic Revolution Studies, Tehran, Iran.

khademi.mehrnoosh@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2024 /03 / 13 Revised: 2024 /03 / 26 Accepted: 2024 /04 / 03 Published Online: 2024 /04 / 19	At first glance, society is seen as a collection of individuals living in a shared environment; however, if we look more closely at society, we realize it is a group of individuals with defined and differentiated roles. These roles are divided, defined, and assigned. In contemporary Iranian history, women have sought to reexamine the roles that traditional structures had assigned to them. They wanted a new identity through new roles in order to reduce their dependency on men. Entering society gives women a new identity. They seek equal rights with men, and for this reason, they stand against the traditional structure and voice their demands with the support of various resources. The main question in this article is: What is the position of women in society according to the Constitution? This article uses the qualitative content analysis method - inductive reasoning and is framed within the structure-agent theory of Giddens. Based on the findings, in the intermediate category of the Social Services Bill, only a few women were able to benefit from these services. In the intermediate category of employment, the agent achieved their goal, and in the intermediate category of education, the agent achieved all their goals except for the permission of the guardian. Keywords: Women, Structure, Agent, Society, Constitution, Iran.



دوره ۱۱ | شماره ۳۹ | بهار ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.503113.1399>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

زن و توانایی حضور در اجتماع بر اساس قانون اساسی

مهرنوش خادمی 

دکترای مطالعات انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

khademi.mehrnoosh@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	جامعه در نگاه نخست، به مجموعه‌ای از افراد گفته می‌شود که در یک زیست مشترک زندگی می‌کنند؛ اما اگر دقیق‌تر به اجتماع بنگریم، مجموعه‌ای از افراد را می‌بینیم که نقش‌های متفاوتی برای آن‌ها تعریف شده است. نقش‌ها تقسیم می‌شوند، تعریف می‌شوند و واگذار می‌شوند. زنان در تاریخ معاصر ایران، خواهان بازخوانی نقش‌هایی بودند که ساختار سنتی برای آن‌ها در نظر گرفته بود. آن‌ها خواهان هویت جدید در قالب نقش‌های جدید بودند تا وابستگی خود را به مردان کمتر کنند. ورود به اجتماع به زن‌ها هویت جدیدی می‌دهد. آن‌ها خواهان امتیازاتی برابر با مردان هستند و به همین علت در مقابل ساختار سنتی می‌ایستند و با کمک منابع، خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند. در این مقاله سؤال اصلی آن است که جایگاه زنان در جامعه بر اساس قانون اساسی کجاست؟ در این مقاله، از روش تحلیل محتوا کیفی - استقرایی استفاده شده و در چهارچوب ساختار، کارگزارگیدن قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های به دست آمده، در مقوله میانی لایحه خدمات اجتماعی، تعداد اندکی از زنان توانستند از این خدمات استفاده کنند. در مقوله میانی اشتغال، کارگزار به خواسته خود رسید و در مقوله میانی آموزش و پرورش، کارگزار به همه خواسته‌های خود به جز اذن ولی دست یافت. کلیدواژه‌ها: زنان، ساختار، کارگزار، اجتماع، قانون اساسی، ایران.
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۲/۱۲/۲۳	
تاریخ بازنگری:	
۱۴۰۳/۰۱/۰۷	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۳/۰۱/۱۵	
انتشار آنلاین:	
۱۴۰۳/۰۱/۳۱	
صفحات:	۵۷-۸۲

شاید بتوان این ادعا را مطرح کرد که مفهوم زن اگرچه یک امر تعبیری است؛ اما در جهان کنونی یک مسئله سیاسی و اجتماعی قابل اعتناست. درواقع در هر تعبیری از زن، نوعی نفوذ معنا و تزریق ارزش‌های فرهنگی-تمدنی مشخص نهفته است که مختصات هندسی زن مطلوب، آن تمدن را نمایان می‌سازد؛ بنابراین هر مفهومی از زن، تابع نظام ارزشی مشخصی است که بانفوذ خود، مختصات مفهوم را صورت‌بندی نموده، نظام دانایی و عمل خود را بر مبنای آن سامان می‌بخشد و نوع زندگی ارزشمند مورد تأیید را معرفی می‌نماید. به همین نسبت جایگاه زن در فرایند اجتماعی شدن تعریف می‌شود. می‌توان چنین گفت که در همه جوامع، جنسیت یکی از شکل‌های مهم قشربندی اجتماعی است و به‌عنوان یک عامل مهم و حساس در ساخت دادن به انواع فرصت‌ها و بخت‌های زندگی شناخته می‌شود؛ لذا جنسیت بر نقش‌هایی که فرد می‌تواند در نهادهای اجتماعی از خانواده تا دولت ایفا کند، تأثیر نیرومندی دارد؛ زمانی این تأثیر مؤثر است که کارگزاران اجتماعی بتوانند عاملیت خود را به فعلیت درآوردند.

کارگزاری، به معنای نیت و مقاصد افراد در انجام دادن کارها نیست؛ بلکه در درجه نخست به معنای توانایی انجام دادن آن کارهاست. کارگزاری به رویدادهایی مربوط می‌شود که فرد، مسبب آن‌هاست؛ به این معنا که فرد می‌توانست در هر مرحله به گونه‌ای دیگر عمل کند؛ باین حال، هر آنچه رخ داده است، ممکن نبوده که با عدم‌مداخله فرد رخ دهد، به همین علت کارگزاری حاکی از قدرت است. تمام تعاملات اجتماعی مستلزم استفاده از قدرت، به‌عنوان تضمین ضروری پیوند منطقی بین کنش انسانی و قابلیت تغییردهندگی است. کنش‌ها باید بتوانند تغییری هرچند کوچک در جامعه پیش رو ایجاد کنند؛ پس کارگزاران برای تغییر به منابع مناسب نیازمند هستند.

در «دیالکتیک کنترل»، گیدنز معتقد است که مجموع قدرت در جامعه صفر نیست و همیشه زیردستان، قابلیت دگرگون‌سازی شرایط را نیز دارند. بنابراین به موازات ارتباط‌گیری کنشگران با هم شمایای تفسیری، برای معنابخشی تعاملات شکل می‌گیرد و این شمایای تفسیری، منابعی را جهت اعمال قدرت به کار می‌گیرند؛ اما نکته قابل ذکر این مسئله است که کنشگران بر اساس خواص ساختاری عمل می‌کنند؛ پس آنچه وجود دارد کارگزار-قدرت-ساختار است. کارگزاران، ساخت را به وجود می‌آورند و ساخت، امکان کارگزاری

را پدید می‌آورد. ساختارها تا آنجا وجود دارند که مردم اعمالی را در شرایط معینی از روی شناخت و آگاهی یا به طریق ناخودآگاه انجام می‌دهند. این اعمال، ویژگی‌های ساختاری را می‌سازند که به ما اجازه بحث درباره تأثیرات ساختاری را می‌دهند. این گفته بدین معناست که ساختارها باید همواره بیانگر کنشی باشند و همواره کارگزاری وجود دارد که درگیر تولید و بازتولید آنچه ساخته شده باشند؛ بنابراین همیشه بین افراد و نهادها یک درگیری دوسویه وجود دارد که گیدنز به آن «هرمنوتیک مضاعف» می‌گوید.

هدف از انجام این پژوهش، تأثیر ساختار و کارگزار بر جایگاه زنان در ایران معاصر است. ساختار سنتی با نگرش مردسالاری یکی از موانع مهم بر سر راه زنان برای رسیدن به خواسته‌هایشان است. حال اگر این ساختار با استفاده از ابزار مدرن (قانون) به خود مشروعیت رسمی-قانونی دهد، استفاده از منابع و گذر از موانع آن برای کارگزار بسیار سخت‌تر خواهد شد. تلاش این مقاله آن است تا با بررسی مشروح مذاکرات مجلس در دوره زمانی مجلس بیست و یکم شورای ملی تا پایان مجلس شورای اسلامی، با بررسی تمامی نطق‌هایی که به مصالح حقوق زنان می‌پردازد نشان دهد چه خواسته‌هایی مطرح شده است و با کدام ادله موافق و مخالف، رد یا تصویب شده است.

محققان بسیاری در ایران نیز به موضوع زن و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند که در ادامه خواهد آمد. تفاوت این مقاله با تحقیقات دیگر، در این موضوع است که این مقاله به‌طور اختصاصی به خواسته‌های که زنان، در مجلس شورای ملی و اسلامی در جایگاه کارگزار مطرح می‌کنند پرداخته است چه خواسته‌هایی که به آن دست نیافتند و چه خواسته‌هایی که در قالب قانون به تصویب رسیده است.

۱. پیشینه تحقیق

فاطمه صادقی در کتاب *زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب*، این سؤال را مطرح می‌کند که کدام گفتارهای قدرت بر زندگی سیاسی زنان تأثیرگذار بوده و زنان در برابر این گفتارها و سامانه‌ها چگونه مقاومت کرده‌اند؟ تفاوت این کتاب با مقاله حاضر نوع نگاه فمینیستی رادیکال صادقی به مسئله زنان و بحث جنس و جنسیت با نوع نگاه این مقاله بسیار متفاوت است. صادقی در کتاب خود با پیش‌فرض‌های منفی ذهنی، به دنبال دلایلی برای

اثبات حقانیت نظر خود پیش می‌رود و زنان و فعالیت‌های آن‌ها را در عرصه اجتماعی و سیاسی دست‌کم می‌گیرد. درحالی‌که فرضیه این پژوهش آن است که زنان با ورود به عرصه‌های قانونی و حوزه عمومی توانستند با حاکمیت و ساختارهای موجود در جامعه سخن بگویند و از طریق مفاهیم و گفتگو تغییراتی را در نوع نگاه جامعه و ساختار نسبت به جایگاه خود به وجود آوردند؛ اگرچه زنان در ابتدای راه هستند؛ اما حرکت روبه‌جلوی آن‌ها نشان‌دهنده آینده‌ای نویدبخش خواهد بود به همین علت این تحقیق تلاش می‌کند تأثیر و اثر تقابل زنان بر ساختار و ساختار بر زنان را نشان دهد همان‌گونه که گیدنز در نظریه ساخت‌یابی خود می‌گوید ساختار فرصت‌ها و الزاماتی را در اختیار کارگزار قرار می‌دهد.

مهرانگیز کار در کتاب قانون‌گذاری درباره حقوق زن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها در سه فصل به تحولات قوانین مربوط به زنان در نیم‌قرن اخیر می‌پردازد. ازجمله به نکاتی چون: «قانون خدمات اجتماعی زنان»، «مراکز رفاه خانواده»، «قانون حمایت خانواده»، «حق قضاوت»، «سن ازدواج»، «نکاح دختران بالغ و رشید»، «ثبت عقد نکاح یا طلاق یا رجوع در دفاتر رسمی»، «تابعیت زنان»، «استخدام زنان در نیروهای مسلح»، «حضانت مادران»، «تصویب قوانین خشونت‌آمیز علیه زنان»، «سن ورود به مسئولیت جزایی»، «روابط جنسی»، «دیه زن»، «بی‌اعتنایی به عواطف و حقوق مادر»، «تصویب قوانین و مقررات سودمند به حال زنان»، «شرحی بر عملکرد سایر نهادهای مؤثر قانون‌گذاری درباره حقوق زن»، «نمونه‌هایی از نظرات فقهای شورای نگهبان»، «نقدی بر عملکرد شورای نگهبان»، «نقدی بر عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام»، «نمونه‌هایی از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی» می‌پردازد. تفاوت این کتاب با مقاله حاضر: این کتاب صرفاً به تحولاتی که در عرصه قانون‌گذاری در ایران اتفاق افتاده است پرداخته و به چگونگی و چرایی این تحولات نپرداخته و این مسئله که حضور زنان در مجالس چه تأثیری در تغییرات روند قانون‌گذاری داشته پرداخته نشده است درحالی‌که همین قسمت نادیده گرفته شده موردتوجه این مقاله است و البته تأثیراتی که این قوانین بر زندگی فردی-اجتماعی-سیاسی و اقتصادی زنان امروز ایران داشته است.

صدیقه و سمدی در کتاب زن، فقه، اسلام، این سؤال را مطرح می‌کند: به‌راستی چهره ناموزون را که هر زن مسلمان و آگاه می‌کوشد بگوید که «من چنین نیستم» را چه کسی ترسیم

کرده است؟ از چه زمانی ترسیم شده است؟ تفاوت این کتاب با مقاله: با توجه به این مسئله که بسیاری از قوانین در حوزه زنان در حوزه شرعیات قرار می‌گیرند کتاب یکی از منابعی است که به‌طور اختصاصی به این مسئله پرداخته است. او در این کتاب به قوانین فقهی که در باب زنان وجود دارد اشاره می‌کند که بخشی از کار این مقاله در بررسی قوانین است با این تفاوت که این مقاله مدعی است فقه شیعه (فقه جواهری) تحت تأثیر اندیشه‌های امام خمینی که بحث زمان و مکان و همچنین مصلحت را وارد فقه نموده است ظرفیت بسیار بالایی را جهت تغییرات دارد و تاکنون نیز تأثیرات بسیار مثبتی در این زمینه اتفاق افتاده است چگونگی و چرایی این تغییرات از مهم‌ترین مباحثی است که این مقاله به آن می‌پردازد درحالی که در کتاب به آن اشاره‌ای نشده است.

احمد لیلا نیز در کتاب *زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*، برابری آغازین میان زن و مرد را بر اساس آموزه‌های اسلامی مفروض می‌گیرد و نابرابری بعدی را به تحولات آیین در بستر زمانه مربوط می‌داند. بر اساس رویکرد شریعت مدار، شریعت تجسم بهینه آموزه‌های وحیانی است که بر اساس آن زن و مرد نه برابر که متفاوت و ازاین‌رو مکمل یکدیگر تلقی می‌شوند؛ ازاین‌رو، در بسیاری از دیدگاه‌ها فرض بر این است که شریعت اسلامی برای هر یک از آن‌ها وظایف و تکالیفی را مقرر کرده است که مشمول مرور زمان نمی‌شوند. تفاوت این کتاب با مقاله: لیلا احمد از جمله فمینیست‌های اسلامی است که به تحقیق در باب موضوع زن علاقه‌مند است و در بررسی‌های خود برای پاسخ یافتن به مسائل در باب زن به کنکاش در صدر اسلام می‌پردازد؛ این مقاله برای یافتن پاسخ‌های خود برای مشکلات زنان به تاریخ معاصر ایران نظر دارد.

۲. اهمیت حضور در اجتماع

از آنجا که جامعه انسانی نظامی سلسله‌مراتبی است و از طبقه و قشرهای اجتماعی متفاوتی تشکیل می‌شود؛ ازاین‌رو، پایگاه و موقعیت اجتماعی کنشگران در این سلسله‌مراتب همانند و یکسان نیست. نظام سلسله‌مراتبی جامعه با توزیع کنشگران در طبقه‌ها، قشرها و گروه‌های اجتماعی گوناگون، آنان را در موقعیت‌های اجتماعی متفاوتی مستقر می‌سازد و هر موقعیت اجتماعی با ایجاد قالب‌های رفتاری معین، نوع سلیقه، شیوه سخن گفتن، لباس پوشیدن، آرایش کردن و...

سبک زندگی ویژه‌ای را برای کنشگران خود پدید می‌آورد. سبک‌های زندگی از یک سو، تسهیل‌کننده رفتار کنشگران هستند و آنان را قادر می‌سازند تا رفتارهای ویژه آن سبک را از خود - به آسانی - بروز دهند و نیز بتوانند با دیگرانی که از آن سبک پیروی می‌کنند، به سادگی رابطه برقرار نمایند و هم‌زمان رفتاری متمایز از رفتار کنشگرانی که پیرو سبک زندگی دیگری هستند داشته باشند.

بدین سان سبک زندگی، پدیدآورنده گروه‌های انسانی متمایز ناهمبندی هستند که هر یک از آن‌ها در مرتبه‌ای از سلسله‌مراتب سازمان اجتماعی جامعه استقرار می‌یابد و به دلیل مجموع سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود، در جامعه از «قدرت نفوذ» معینی برخوردار است. افزون بر این هر سبک زندگی، شبکه‌ای از روابط اجتماعی پدید می‌آورد که کنشگران را در تعاملاتی که با دیگران دارند، پشتیبانی می‌کند و به آنان اعتبار اجتماعی اعطا می‌نماید. این اعتبار سرمایه اجتماعی کنشگر است که او را تا به قدری توانا می‌سازد که حتی فراتر از قابلیت‌ها و توانمندی‌های فردی خود در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه اثرگذار باشد. هرچند که باید پذیرفت میزان این سرمایه نامحدود نیست.

۳. مقوله میانی خدمات اجتماعی مخصوص زنان

۳-۱. لایحه خدمات اجتماعی زنان قبل از انقلاب

تاریخچه لایحه: در خرداد ماه ۱۳۴۷ در جلسه ۳۶ و ۳۷ مجلس سنا لایحه خدمات اجتماعی زنان به تصویب می‌رسد، این لایحه مشتمل بر ۱۳ ماده بود. با مروری کوتاه بر مواد آن می‌توان نیت و هدف ارائه دهندگان آن را که همانا به معنای اخص کلمه حاکمیت آن زمان بود، دریافت.

جدول شماره ۱: مقوله میانی لایحه خدمات اجتماعی زنان قبل از انقلاب

ساختار	به منظور بیشتر سهم کردن زنان در تحولات اجتماعی کشور و در اجرای اصول انقلاب شاه و مردم لایحه خدمات اجتماعی نگارش یافته است و به موجب این قانون، خدمات فرهنگی، آموزش و بهداشتی و درمانی و اجتماعی، وظیفه مقدس ملی زنان شناخته شده و به ترتیب مقرر در این قانون در مورد زمانی که دارای گواهینامه کامل متوسطه و یا مدرک تحصیلی بالاتر هستند برقرار می شود.
موافقان	۱. منافع زیادی در رشد فکری و اجتماعی و احساس مسئولیت زنان نسبت به اجتماع خود و نسبت به کشور و میهن دارند ۲. مبارزه با بی سواد
مخالفان	این طرح جنبه اجبارآمیز دارد

لایحه تأمین خدمات اجتماعی همان طور که از نامش پیداست، با هدف خروج زنان از خانه و ورود آن ها به اجتماع - حتی به زور - از طرف دولت، به مجلس ارائه شد. حاکمیت با استفاده از عناوینی همچون وظیفه مقدس، هدف خود را به خوبی نشان می دهد. نظام سیاسی خواستار خروج زنان از خانه و ورود آن ها به عرصه های اجتماعی در راستای اهداف اقتصادی خود بود. هم مسیر بودن خواسته های نظام سیاسی با خواسته های کار گزار، رسیدن به این هدف را آسان کرد. اگرچه حوزه هایی که برای فعالیت زنان در عرصه اجتماعی در نظر گرفته شده بود - بهداشت، آموزش و پرورش و خانه داری - کاملاً زنانه بود. با این حال، در فضای سنتی آن روز ایران، برای زنان دستاورد بزرگی محسوب می شد. ساختار سنتی در این زمینه نتوانست مقاومت کند و این لایحه بدون هیچ مخالفتی به تصویب هر دو مجلس رسید.

۲-۳. مقوله میانی زنان بی سرپرست بعد از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی، طرح تأمین زنان بی سرپرست به نوعی جایگزین طرح خدمات اجتماعی زنان شد. این طرح با این پیش فرض ارائه شد که سرپرست بودن و نان آوری، امری است مختص مردان و زنان بدون حضور مردی در خانه، بی سرپرست محسوب می شدند. البته نیمه پنهان این قانون حاکی از آن بود که با تغییر نحوه زیست خانواده ها، مسائلی به وجود آمد

که در گذشته محلی از اعراب نداشت؛ در خانواده گسترده، زن با حضور اقوام سببی و نسبی خود، همیشه مردی در کنارش حضور داشت؛ اما با گسترش خانواده هسته‌ای، فوت همسر می‌توانست مشکل آفرین باشد؛ این زنان با فوت همسر دچار مشکلات مالی فراوانی می‌شدند. با توجه به اینکه لایحه قانونی القای قانون خدمات اجتماعی زنان در ۱۵ اسفند ماه ۱۳۵۷ را شورای انقلاب به تصویب رساند، تأسیس یک قانون جدید الزامی به نظر می‌آمد. ماده واحده: از تاریخ تصویب این قانون، قانون خدمات اجتماعی زنان مصوب ۱۳۴۷ و قوانین اصلاحی بعدی آن ملغی می‌گردد.

جدول شماره ۲: مقوله میانی زنان بی‌سرپرست بعد از انقلاب

ساختار (طرح تأمین زنان بی‌سرپرست) ۱۳۶۲/۴/۳۰	ماده واحده- دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان بی‌سرپرست موضوع بند چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی اقدام و حداکثر ظرف سه ماه، لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم دارد.
مخالف	راه حل چندهمسری است
کارگزار	این قانون شامل زنانی است که به دلیل مشکلات نمی‌توانند از خود نگهداری کنند

استفاده از عنوان زنان بی‌سرپرست، دیدگاه ساختار را راجع به زنان بدون مرد (پدر، همسر و پسر) نشان می‌دهد. گویی هویت زنان با حضور مردان تعریف می‌شود و زنان، طفلی هستند که بدون حضور یک سرپرست (حتی فرزند خودشان - پسر) قادر به ادامه حیات نیستند. در این قانون از الفاظ با معنی منفی استفاده شده بود - زنان بی‌سرپرست، زنان بیوه - و در کنار هم گذاشتن زنان با کودکان، گویی قانون‌گذار به ذهن این‌طور متبادر می‌کند که شرایط هر دو اینها (زنان - کودکان) یکسان است. در سخنان سید علی اکبر موسوی حسینی و مریم بهروزی به‌خوبی قدرت ساختار را می‌توان دید.

سید علی اکبر موسوی حسینی: «خدای متعال مرد را مؤظف کرده که تأمین نفقه خانواده را بکند، مخارج زن را به عهده مرد نهاده و از این جهت او را در ارتباط با فعالیت مرد، نیازمند

قرار داده که حتی اگر زنی خود ثروتمند باشد، وظیفه او نیست که مخارج معمول خودش را بپردازد، این وظیفه مرد است» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۹۳). مریم بهروزی: «به مرد هیچ وقت بی سرپرست گفته نمی شود. مرد بی سرپرست نداریم، مرد خودش نفقه می دهد. اگر مردی است که کسی را ندارد و از لحاظ زندگی تأمین نمی شود، خوب او را در همان خانه سالمندان نگه می دارند» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۸).

حتی زنانی با جایگاه اجتماعی بالا - نماینده مجلس - این مسئله را پذیرفته بودند که نشان از قدرت و توان نگاه سنتی در جامعه هدف بود. گرچه هدف طرح، کمک به زنان کم توان بود و قابل تقدیر و احترام؛ اما انتقاد اصلی به نوع نگاه به زنان وارد است. حتی علی اکبر حمید زاده در قامت موافقان با این قانون، دلیلی که برای موافقت می آورد، موافق با نگاه سنتی است. وی عنوان می کند که هدف این طرح جلوگیری از فساد زنان در جامعه است. همان نگاهی که زنان را عامل اصلی فساد اخلاقی در جامعه می داند. با تمام این تفاسیر، حتی این قانون نیز نتوانست مرهمی بر زخم های زنان خودسرپرستی باشد که دچار مشکلات مالی هستند.

مسعود صادقی آراد در مجلس دوره چهارم، آماری ارائه می دهد که بر اساس آن، تعداد خانوارهای نیازمند کمک سه میلیون است؛ درحالی که تنها صد هزار نفر تحت پوشش قرار گرفته اند: «امروز سازمان بهزیستی کل خانوارهای تحت پوشش اش صد هزار نفر است. اینها شامل بی سرپرست های معلولین، فوت شده ها، طلاق گرفته ها، زندانی ها، از کار افتاده ها و... اینها را شامل می شود؛ اما حداقل جامعه ای که باید تحت پوشش باشد سه میلیون است» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۷).

۴. مقوله میانی اشتغال

۴-۱. تعریف شغل

شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می شود. کار در همه فرهنگ ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند (کیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۵۱۷).

از نظر جامعه‌شناسی، انسان اجتماعی، انسان ایفاکننده نقش است. زنان شاغل به‌طور هم‌زمان دارای سه نقش همسری، مادری و شغلی هستند.

شغل به زنان نقش‌های دیگری غیر از نقش‌های بیولوژیکی (مادر، همسر، خواهر و دختر) می‌دهد و آن‌ها با ورود به عرصه بازار کار، توان هم‌اوردی و برابری با مردان را دارند و هویت زنانه خود را در اجتماع باز می‌یابند. یک عامل اجتماعی سودمند می‌شوند و می‌توانند با مردان بر سر مسائلی غیر از خانواده به گفتگو بنشینند، اظهار نظر کنند و خود را یک کارگزار اجتماعی معرفی کنند. شغل، هویتی جدید و اجتماعی به زنان می‌دهد و به همین دلیل قوانین و خواسته‌های مربوط به شغل بسیار برای حیات اجتماعی زنان مهم است. در واقع شغل، زن را به یک سوژه اجتماعی تبدیل می‌کند.

از طرف دیگر، زنان با شاغل شدن می‌توانند به باارزش‌ترین منبع اقتصادی، یعنی پول دست یابند و به همان نسبت، نیازشان به مردان در مورد مسائل مالی کاهش پیدا می‌کند و به یک عضو تأثیرگذار در رابطه با دیگر اعضای جامعه تبدیل می‌شوند. با دگرگون شدن شیوه زیست از کشاورزی به اقتصاد، ما شاهد ورود زنان به عرصه اقتصادی هستیم.

جهان دگرگون شده چاره‌ای جز وارد کردن زنان به حوزه اقتصاد نداشت. ساختار سنتی با همه تلاش‌ها نتوانست در مقابل این وضعیت مقاومت چندانی کند. در نتیجه همان‌طور که گیدنز می‌گوید، زنانی که از نظر اقتصادی موفق هستند، ناچارند با دنیایی خود را هماهنگ کنند که احساس می‌کنند کاملاً به آن تعلق ندارند؛ ولی نهایتاً در درازمدت، می‌توانند اثر تعدیل‌کننده‌ای بر نظام ارزشی مردانه به‌جای گذارند و مسئولیت‌های خانوادگی و ضروریات کاری را با یکدیگر هماهنگ سازند.

۵. مقوله میانی اشتغال قبل از انقلاب

با پادشاهی رضاشاه در سال ۱۳۲۰، تحصیلات عمومی برای دختران گسترش یافت. بازگشایی روزافزون دبیرستان‌ها راه را برای ورود زنان به دانشگاه‌های جدیدالتأسیس تهران باز کرد و آن‌ها را قادر ساخت تا حداقل در دستگاه‌های دولتی عهده‌دار مشاغل مشخصی گردند.

عایدات روزافزون نفتی در دوره محمدرضا شاه، تغییرات اساسی را در اقتصاد ایران و در نتیجه در موقعیت زنان به وجود آورد. مشاغل بسیار زیادی ایجاد شد که به‌نوبه خود

فرصت‌های استخدامی را برای زنان واجد شرایط از کارگری در کارخانه تا مشاغل سطح بالا مهیا کرد. ایجاد فرصت‌های روزافزون برای استخدام زنان به از بین بردن مخالفت خانواده‌ها با تحصیل علم و فعالیت‌های خارج از خانه زنان بسیار کمک کرد. در نتیجه بسیاری از دختران جوان خانواده‌های سنتی وارد دبیرستان‌ها و حتی دانشگاه‌ها شدند. البته این تغییرات، بیشتر در شهرها رخ داد تا روستاها.

جدول شماره ۳: مقوله میانی اشتغال قبل از انقلاب

ماده ۱۶- شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع نماید.	ساختار
حذف ماده ۱۶ حقوق زن و مرد برابر باشد	خواسته کارگزار
شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید.	آخرین قانون

اشتغال زنان نیز از جمله مواردی است که ساختار و کارگزار در باب آن به گفتگو می‌نشیند. اشتغال زنان نظام ارزشی مردانه را با خطر مواجه می‌کند، به همین علت ساختار سنتی تمایل داشت که این قدرت را در اختیار مردان قرار دهد تا زنان را از ورود به عرصه‌های اجتماعی- شغلی منع کند. کارگزار تلاش کرد تا امتیازی مشابه با مردان به دست آورد و زنان به بخشی از خواسته خود رسیدند؛ زنان هم مانند مردان می‌توانند همسران خود را از اشتغال به مشاغلی که منافعی مصالح خانوادگی است منع کنند؛ اگرچه خواسته اصلی زنان، حذف این ماده بود.

با همه تلاش‌هایی که از سمت کارگزار و نظام سیاسی صورت گرفت تا زنان وارد بازار کار شوند، آخرین سرشماری در سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد که درصد بسیار کمی از زنان نسبت به مردان به کار خارج از خانه اشتغال داشته‌اند (۷/۱۳٪ زنان در مقابل ۳/۸۶٪ مردان در کل کشور).

۶. مقوله میانی اشتغال بعد از انقلاب

بانوان شاغل به سه دسته کلی تقسیم می شوند:

۱. کسانی که به دلیل احتیاجات زندگی کار می کنند و اگر این احتیاجات برطرف شود میل دارند به خانواده هایشان برسند. این گروه به سه قسمت تقسیم می شوند: بیوه زنان، زنان شوهرداری که نیاز خانواده مجبور به کارشان می کند و زنانی که خرج خانواده را خودشان می دهند.

۲. کسانی که به منظور خدمت به جامعه مشغول به کارند، تحصیل کرده هستند، مطالعه دارند، می خواهند به جامعه خود خدمت کنند و نیاز مادی ندارند.

۳. کسانی که هر دو را شرط را دارند. هم می خواهند خدمت کنند و هم حقوق بگیرند (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۷).

جدول شماره ۴: مقوله میانی اشتغال بعد از انقلاب

بانوان شاغل در کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش می توانند با نظر اداره متبوعه خود به مدت یک سال با استفاده از حقوق گروه و پایه خود از مرخصی زایمان استفاده کنند.	ساختار	مرخصی بعد از زایمان
مدت مرخصی زایمان (یک و دوقلو) زنان شاغل در بخش های دولتی و غیردولتی نه ماه تمام با پرداخت حقوق و فوق العاده های مربوط تعیین می شود. همسران افراد یادشده نیز از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار می شوند.	آخرین قانون	

خدمت نیمه وقت بانوان	مخالفان تأکید بر وظیفه مادری اولویت استخدام به مردها اجحاف به زنان است	موافق برجسته کردن نقش مادری خانواده رها می شود	ساختار وزارتخانه ها و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکت های دولتی و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، می توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مسئول خدمت آنان را نیمه وقت تمام نمایند
مسئله فرزند چهارم	مخالف در بحث کنترل جمعیت نباید فقط زن را در نظر گرفت ممنوعیت سقط جنین در ایران خلاف اسلام است	موافق فرزند زیاد، یکی از عوامل مرگ و میر زنان است فرزند زیاد، مانع فعالیت اقتصادی زن است	ساختار ماده واحده- کلیات امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان با عائله پیش بینی و وضع شده است، صرفاً در مورد فرزند چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندانی که تا تاریخ مزبور متولد می شوند، کماکان از امتیازات مقرر شده برخوردار می باشند
	آخرین قانون از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، کلیه محدودیت های مقرر در قانون ۱۳۹۲/۳/۲۰ اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب و اصلاحات آن و سایر قوانین که بر اساس تعداد فرزند برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو می گردد.		

اشتغال زنان از جمله مواردی است که ساختار و کار گزار در باب آن به گفتگو نشستند. اشتغال زنان، نظام ارزشی مردانه را با خطر مواجه می‌کند؛ به همین دلیل ساختار سنتی تمایل دارد که این قدرت را در اختیار مردان قرار دهد و زنان را از ورود به عرصه‌های اجتماعی - شغلی منع کند.

برای شناخت بهتر موضع مدافعان ساختار سنتی در باب شغل زنان، این قسمت از سخنرانی محمد کیاوش قابل تأمل است:

این لایحه سعی دارد زن‌ها را به همان جایی برساند که مخالفین این لایحه آن‌ها ایستاده‌اند؛ یعنی برگردند که زمانی که وظیفه مادران فقط تربیت فرزندان و خانه‌داری و همسر داری بود. باید دخترهای پاک با جوان‌های پاک هر چه زودتر ازدواج کنند، بزرگ‌ترین مسئولیت زن همین است لاغیر. زن نمی‌تواند در دو جا مشغول باشد یعنی هم به کار بیرون برسد هم به خانه‌داری و همسر داری و فرزند پروری، مگر اینکه به تدریج شروع کنیم این وظیفه سنگین را، به اینها تفهیم کنیم. با اجرای این لایحه می‌خواهیم کم کم پای زن‌ها را از کارهای طاقت فرسا و زنجیری که به گردنشان گذاشته شده رها کنیم. وقتی کاری با اینها نداریم، چرا در اداره بیاوریم و بنشانیم، حداقل بروند و به کار اصلی برسند که این مملکت به آن‌ها نیاز دارد (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۶)

تأکید محکم و قاطع ساختار سنتی بر تقسیم‌بندی کار به درون خانه و بیرون خانه و واگذاری کار درون خانه به زنان، با تأکید بر نقش همسری و مادری، موجب شده است که حتی مشاغل تعریف شده برای زنان، ارتباط تنگاتنگی با مسئولیت‌های خانگی زنان داشته باشد و همیشه اولویت با نقش‌های خانگی زنان است.

اهمیت نقش مادری بر کسی پوشیده نیست؛ اما این مسئله که این نقش به سقف شیشه‌ای برای زنان تبدیل شود تا با برجسته‌سازی بیش از حد آن و از جهتی دیگر کمرنگ کردن نقش پدری، هویت‌های غیر مادری و همسری موجب شده است که هویت‌های دیگر زنان، حاشیه‌ای، کم‌اهمیت و گاهی در تعارض با نقش‌های خانگی او جلوه داده شود. این تأکید مؤکد، زنان شاغل را دچار یک تعارض اخلاقی می‌نماید. آن‌ها دچار این مسئله هستند که آیا واقعاً کار کردن آن‌ها در بیرون از خانه، لطمه‌ای به خانواده و فرزندشان می‌زند؟ چرا

این سنگینی وظیفه بر نقش پدری و مردان شاغل وجود ندارد؟ اختصاص کار خانگی به زنان و کم‌اهمیت کردن آن، چنانچه آنتونی گیدنز معتقد است هرچند کار خانگی از نظر ارزش تقریباً معادل یک‌سوم کار تولید سالانه در اقتصاد امروزی است، کار بی‌مزد زنان نادیده گرفته می‌شود، زنان در جامعه تبدیل به عضو حاشیه‌نشینی شده‌اند. حاشیه‌ای به نام خانه. در خانه زنان مشغول به اموری هستند - تمیزی خانه - که از نگاه بیرونی، اموری کم‌اهمیت، بی‌ارزش و تکراری است.

از طرفی با خروج زنان از خانه، شاهد ورود مردان به خانه نیستیم؛ به همین علت حجم بالای مسئولیت خانه‌داری، همسر‌داری، فرزند‌آوری، نگهداری از فرزند و شغل، زنان را خسته و فرسوده کرده است. گویی حضور زنان در بازار کار نوعی عدم تمکین نسبت به نقش مادری اوست که مستلزم هزینه‌هایی برای آنان است و حتی جامعه نیز هزینه‌هایی مانند کار هم‌زمان در خانه و بیرون از خانه را به آن‌ها تحمیل می‌کند که خستگی جسمی را به همراه دارد. از طرف دیگر تأکید بر نقش خانگی آن‌ها و تعارض موجود بین نقش خانگی و اجتماعی، زنان را از نظر روحی نیز خسته و فرسوده می‌کند.

حضور ناچیز زنان در بازار اشتغال در ایران و قابل‌پذیرش بودن دو نوع رسته شغلی برای زنان به‌عنوان مشاغل زنانه (آموزش و پرورش و بهداشت) نشان‌دهنده نگاه جنسیتی به زنان در بازار اشتغال ایران است و ما شاهد یک بازار کار دوگانه در ایران هستیم، شغل‌های مردانه - شغل‌های زنانه. شغل‌های سطح بالای مدیریتی و بقیه مشاغل و گزاره مرد - رئیس به‌وسیله ساختار تقویت می‌شود و زنان، نظاره‌گر ریاست مردانه در امور خانوادگی، اجتماعی و سیاسی هستند.

با مراجعه به آمار ۱۳۷۵، می‌توان به‌وضوح محدودیت تنوع شغلی زنان در ایران را مشاهده کرد. بخش‌های عمده اشتغال زنان شامل کشاورزی ۶/۱۶ درصد، بافندگی (قالی‌بافی) ۳/۲۸ درصد، آموزش و پرورش ۲۶ درصد و بخش بهداشت ۷/۶ درصد و تنها ۳/۲۲ درصد در سایر بخش‌ها فعالیت داشتند. درحالی‌که ۱۶ درصد مردان شاغل در این چهار بخش مشغول به کار بوده‌اند و ۸۴ درصد از آنان در سایر بخش‌ها فعالیت داشتند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

در سال ۱۳۷۵، درحالی‌که ۲۲ درصد زنان شاغل دارای تحصیلات عالی بوده‌اند، تنها ۹/۷ درصد مردان شاغل از آموزش عالی بهره‌مند بوده‌اند. یکی از دلایل این مسئله، تمرکز زنان شاغل در دو بخش آموزش و بهداشت است.

حسین هراتی: «نظام جمهوری اسلامی شغل زن را در خارج از خانه در دو رابطه می‌تواند بپذیرد؛ یکی در رابطه با مسائل بهداشتی و دیگری در رابطه با مسائل آموزشی است و در شغل‌هایی که زن ارتباط مستقیم با مرد بیگانه داشته باشد، از جهت شرعی در رابطه با او بحث است» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۵۰).

۷. مقوله میانی آموزش و پرورش

تحصیلات و ورود به دنیای آموزش و پرورش، مجوزی برای خروج دختران و زنان از خانه به شمار می‌آمد. تا قبل از آموزش عمومی - از نگاه ساختار سنتی - خانه تنها جای امن برای زنان بود. به همین علت در برابر این امر مقاومت زیادی صورت گرفت؛ اما شرایط تاریخی و غیر زیست عمومی ساختار را مجبور به پذیرش این مسئله کرد.

بی‌شک مهم‌ترین متغیر در زمینه مشارکت اجتماعی زنان، موضوع سواد و میزان تحصیلات آنان است (شادی‌طلب، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۰). در ایران معاصر از جمله مهم‌ترین فضاهای گشوده شده به روی زنان، نظام آموزش و پرورش به سبک جدید بود که تا پیش‌ازین، یک قلمرو مردانه تلقی می‌شد. میزان گشایش این عرصه برای زنان در همه نقاط کشور به یک اندازه نبود؛ اما همین اندازه، گشایش عرصه‌های دیگری چون اشتغال در حرفه‌های گوناگون را برای زنان به همراه داشت (سروش و حسینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵).

جامعه وظایفی را بر عهده نهاد تعلیم و تربیت گذاشته است:

۱. آموزش مسائل فنی ضروری برای هر انسانی متعلق به هر جامعه؛

۲. رشد انسانی افراد جامعه از لحاظ روانی و ارزشی؛

۳. ایجاد همبستگی با جامعه کلی و به دیگر سخن، ایجاد هویت برای هر فردی از افراد

جامعه.

وظیفه نهاد تعلیم و تربیت، گذر دادن موارث اجتماعی و فرهنگی و ارزش جامعه از نسلی به نسل دیگر است. زن در ساختن موارث و در نقل و انتقال آن‌ها در تمام جوامع نقش ارزنده‌ای داشته است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲، ص. ۱۰).

۸. مقوله میانی آموزش و پرورش (تحصیلات) قبل از انقلاب

در سال ۱۳۳۵ فقط ۲۲ درصد زنان از خواندن و نوشتن بهره‌مند بودند که این میزان تا سال ۱۳۵۱ به بیش از ۵۰ درصد رسید و در مناطق روستایی از ۲/۱ به ۵/۸ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۵۱ بیش از ۸ میلیون زن و ۶ میلیون مرد بیسواد در ایران وجود داشت. کمبود مدرسه در مناطق روستایی باعث عدم امکان سوادآموزی بیش از ۷۰ درصد زنان و ۶۶ درصد مردان بیسواد شده است. مهم‌ترین مانع مخالفت در مناطق شهری، اولیای سنت‌گرای دختران هستند. نکته قابل توجه اینکه اولیای دختران شهری بیش از اولیای دختران روستایی با مدرسه رفتن آن‌ها مخالفت کرده‌اند. البته تحصیلات رایگان تا حدودی مانع فقر مالی را از بین برد (حمصی، ۱۳۸۵، ص. ۵۳).

تلاش دولت برای گسترش عرصه انگاره‌های مدرنیستی در روستاها از طریق اعزام سپاهیان دانش، بهداشت، دین و... نیز تا اندازه‌ای در پایه‌های تفکر سنتی در مناطق روستایی شکاف ایجاد کرد؛ بنابراین با رشد و گسترش گفتمان مدرنیزاسیون در ایران و متأثر شدن نواحی مختلف جامعه از آن، به تدریج مخاطبان گفتمان سنتی به لحاظ عینی متحول شدند (سروش و حسینی، ۱۳۹۲، ص. ۳۵).

کارگزار قبل از انقلاب بر مسئله آموزش و پرورش بیش از هر مورد دیگری تأکید داشت، این مسئله چنان برای آن‌ها مهم بود که سخنرانی‌های متعددی در این باب در مجلس ارائه کردند. شمس‌الملوک مصائب بیان می‌کند که مردان، اولین درس زندگی خود را از مادرانشان می‌آموزند؛ حال اگر این مادر، مطلع و دانا نباشد، نمی‌تواند افرادی شایسته و آزادمنش و کارداران و بصیر تربیت کند: «این اولین مربی جامعه، یعنی مادر، یعنی زن آزاد تربیت شده مطلع و دانا نباشد، چطور می‌تواند افرادی شایسته و آزادمنش و کارداران و بصیر تربیت کند؟» (صورت مشروح مذاکرات مجلس سنا، دوره چهارم، جلسه ۳۶).

بیانات قبل از دستور پارسای: «تا زنان و دختران خانواده‌ها تربیت و تعلیم نیابند، امید بهبود از خانواده و اجتماع نباید داشت» (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۹۹).

جدول شماره ۵: مقوله میانی آموزش و پرورش قبل از انقلاب

خواسته کارگزار	تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس ملی در کنار مدارس دولتی. مبارزه با بی سوادی. ایجاد حداکثر تسهیلات برای ورود خواهران به مراکز علمی. آموزش عمومی و مجانی.
آخرین قانون	تعلیمات عمومی اجباری در کشور شامل دو مرحله است که مرحله اول آن دوره پنج ساله ابتدایی و مرحله دوم آن دوره سه راهنمایی تحصیلی است. وزارت آموزش و پرورش مکلف است پس از اجرای مرحله اول آموزش اجباری در سراسر کشور اجرای مرحله دوم تعلیمات عمومی را در هر منطقه که موجبات اجرای آن فراهم باشد اعلام نماید.

دستاوردهای کارگزار با حمایت نظام سیاسی در این قسمت چشمگیر بود. آنها توانستند با توجه به شرایط تاریخی و همراهی حاکمیت، آموزش و پرورش را در ایران همگانی کنند. کارگزار به این نکته پی برد که تحصیل، تنها راه خروج زنان از خانه است. تحصیلات و سواد، زنان را متوجه بسیاری از حقوقی می کرد که تا آن زمان از آن بی اطلاع بودند. آنها با کسب تحصیلات می توانستند شغلی برای خود دست و پا کنند و به استقلال مالی دست یابند. گرچه ساختار فرهنگی - سنتی حاکم بر جامعه آن روز ایران، مانع و سد بزرگ بر سر راه زنان بود؛ اما پذیرفتن قانونی این مسئله و آموزش رایگان در مدارس توانست بسیاری از سدها را بشکند. آمارها نشان دهنده موفقیت در این قسمت است.

حسین معتمدی:

در ۴۰ سال پیش ما در سراسر کشور ۲۳۳۶ مدرسه داشتیم. امروز یازده هزار دبستان و ۱۲۰۰ دبیرستان و جمعاً دوازده هزار و دویست مدرسه داریم. سابق در سراسر کشور حدود ۱۰۹ هزار محصل داشتیم، امروز حدود دو میلیون و یکصد و پنجاه هزار محصل داریم و با فعالیت سپاه دانش مسلماً تعداد آموزشگاهها و دانش آموزان از این حد تجاوز کرده است. در سابق حدود ۶۰۰۰ معلم داشتیم، امروز تجاوز از ۷۰۰۰۰ معلم داریم، در قدیم

دانشگاه به معنی امروز نداشتیم، ولی حالا پنج دانشگاه در کشور داریم. آن روز استاد نداشتیم، امروز متجاوز از ۱۰۰۰ استاد و دانشیار داریم. در سابق دانشجو نداشتیم، امروز حدود بیست هزار دانشجو در کشور و بیست هزار دانشجو در اروپا و آمریکا و سایر نقاط دیگر جهان داریم (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۷۹)

۹. مقوله میانی آموزش و پرورش بعد از انقلاب

مسئله آموزش و پرورش و ورود دختران به مدرسه - در مقطع ابتدایی و راهنمایی - به نوعی در بین مردم پذیرفته شد. مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران، فضا برای طبقه سنتی نیز امن شد و آنها حاضر شدند دختران خود را در یک حاکمیت مذهبی مسلمان به مدرسه بفرستند. درواقع هماهنگی ساختار سنتی با جامعه سنتی، فرصتی را برای خروج دختران و زنان از خانه فراهم کرد؛ بنابراین مسئله ساختار سنتی با کارگزار، به سطح بالاتری از آموزش رسید. با عادی شدن ورود زنان به مدرسه و بعد دانشگاه و شکست سنت دیرینه حضور زنان در خانه، مسئله خروج زنان از کشور به علت تحصیل، به چالش جدیدی در نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۶: مقوله میانی اعزام دانشجو به خارج از کشور بعد از انقلاب

ساختار- قانون کلیات اعزام دانشجو به خارج از کشور مصوب ۱۳۶۴	ماده ۳ تبصره ۱- دختران لیسانس و بالاتر با توجه به سایر ضوابط مندرج در این قانون تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می توانند اعزام شوند.
مخالفان	۱. منجر به ازدواج تحمیلی می شود. ۲. یک قانون تبعیض آمیز است. ۳. قانون مبنای شرعی ندارد. ۴. مخالف نظر امام خمینی است. ۵. کمبود متخصص زن. ۶. خانم ها با هزینه شخصی خود می توانند مجرد به خارج بروند. ۷. زنان برای ایفای نقش انقلابی شان باید به سلاح علم مجهز شوند. ۸. اهل مائع فساد نیست. ۹. ناشی از نگاه تحقیر آمیز به زن است.
موافقان	محیط خارج یک محیط فاسد است.
کارگزار- خواسته ها	۱. اولویت با ازدواج کرده ها باشد چه پسر چه دختر. ۲. دختران بدون ازدواج به خارج بروند. ۳. دختران بدون اذن ولی به خارج از کشور بروند.
آخرین قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۷	ماده ۳- اعزام دانشجویانی که دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند با در نظر گرفتن ظرفیت دانشگاه های کشور و امکانات ارزی، رشته های مورد نیاز و کاملاً ضروری و با رعایت مفاد ماده (۱۸) قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۰/۵/۲۳ صورت خواهد گرفت. وزارت هر سال یک بار این موارد را تعیین خواهد کرد، در شرایط مساوی اولویت با داوطلبان متأهل است.

نگاه به زن در ساختار، به این صورت است که زن تبدیل می‌شود به یک سوژه، سوژه‌ای که نماینده زن مسلمان به‌طور کلی است و احتمال اینکه یکی از این سوژه‌ها در خارج از کشور خارج از شئون متعارف اسلامی رفتار کند، ساختار را دچار نگرانی و آشوب می‌نماید. مسئله اصلی خروج دانشجویان دختر بورسیه شده بود. گویی این تحصیل کردگان دختر، نماد زنانی هستند که نظام جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد به دنیا معرفی کند؛ به همین علت ساختار سنتی در انتخاب آن‌ها و شرایط حضورشان در خارج از کشور، سختگیری‌های بیشتری را می‌خواست. نگرانی از این مسئله که یک زن مسلمان ایرانی در خارج از کشور دچار فساد شود، چنان غیرقابل تحمل به نظر می‌رسد که ساختار سنتی با تکیه بر حاکمیت تا حد ممکن می‌خواهد جلوی این مسئله را بگیرد.

جالب توجه آنجاست که خارج از کشور شامل همه دنیا می‌شود، یعنی حتی کشورهای مسلمان نیز فاکتور گرفته نشده است. گویی زن مسلمان ایرانی توان حفاظت از خود را ندارد و به راحتی فاسد می‌شود. مسئله یک زن خاص نیست، مسئله برای ساختار سنتی الگویی از زن مسلمان است که باید طیب و طاهر باشد و اگر خدایی ناکرده دچار خطایی شود، آبروی همه زنان می‌رود و در نهایت این مسئله ضعفی برای ساختار است.

نتیجه‌گیری

زنان به کدام یک از خواسته‌های خود در حوزه اجتماعی رسیدند و تأثیر ساختار بر این بخش چه بود؟

جدول شماره ۷: مقوله میانی لایحه خدمات اجتماعی

خدمات‌رسانی زنان در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی، پیکار با بی‌سوادی، خدمات بهداشتی و درمانی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، خدمات مربوط به رفاه عمومی و مددکاری اجتماعی و ترویج خانه‌داری	خواسته کارگزار	قبل از انقلاب
	نتیجه کارگزار به خواسته خود رسید.	

این قانون، شامل زنانی است به دلیل مشکلات نمی توانند از خود نگهداری کنند.	خواسته کارگزار	بعد از انقلاب (زنان بی سرپرست)
تعداد اندکی از زنان توانستند از این خدمات استفاده کنند.	نتیجه	

جدول شماره ۸: مقوله میانی اشتغال

حذف ماده ۱۶ حقوق زن و مرد برابر باشد.	خواسته کارگزار	قبل از انقلاب
کارگزار به خواسته خود رسید.	نتیجه	
مرخصی بعد از زایمان خدمت نیمه وقت بانوان لغو محدودیت های مربوط به فرزند چهارم	خواسته کارگزار	بعد از انقلاب
کارگزار به خواسته خود رسید.	نتیجه	

جدول شماره ۹: مقوله میانی آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس ملی در کنار مدارس دولتی؛ مبارزه با بی سوادی؛ ایجاد حداکثر تسهیلات برای ورود خواهران به مراکز علمی؛ آموزش عمومی و مجانی؛	خواسته کارگزار	قبل از انقلاب
کارگزار به خواسته خود رسید	نتیجه	

بعد از انقلاب	خواسته کارگزار	اعزام دانشجوی دختر به خارج از کشور؛ الویت با ازدواج کرده‌ها باشد، چه پسر چه دختر؛ دختران بدون ازدواج به خارج بروند؛ دختران بدون اذن ولی به خارج از کشور بروند؛
	نتیجه	کارگزار به خواسته خود رسید

با نگاهی اجمالی به خواسته‌ها و نتایج به دست آمده می‌توان گفت زنان در بخش خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش و پرورش و خروج دانشجویان دختر از کشور به خواسته خود رسیدند؛ ولی اگر نگاهی عمیق‌تر به مسئله بیندازیم و اماره‌ای موجود را بررسی می‌کنیم، متوجه این مسئله می‌شویم که قوانین چندان نتوانستند گره از مشکلات زنان در بخش اجتماعی بگشایند. شاید بتوان گفت تنها بخشی که زنان در آن توانستند به خواسته‌های خود برسند، مسئله آموزش و پرورش و ورود به دانشگاه‌هاست.

ورود زنان به مراکز آموزش عالی و حتی پیشی گرفتن آن‌ها از مردان - قبولی در دانشگاه‌ها- یکی از مثبت‌ترین اتفاقات بعد از انقلاب اسلامی در ایران است. بخش سنتی جامعه با تغییر حکومت و اعتماد به فضای ایجاد شده، دختران خود را راهی مدارس و دانشگاه‌ها نمودند. زنان نیز با آنکه توانمندی‌های بسیاری از خود نشان دادند؛ اما نتوانستند مناصب شغلی برای خود دست‌وپا کنند. در واقع از نگاه ساختار سنتی، شغل برای زنان یک امر حاشیه‌ای است، ساختار با نگاه سقف شیشه‌ای نگرش‌ها و تعصب‌های منفی، مانع از آن می‌شود که زنان و گروه‌های اقلیت، ورای یک سطح خاص در سلسله‌مراتب سازمانی روند؛ و یک بازار کار دوگانه‌ای ایجاد نموده است که بین دو نوع مشاغل تمایز قائل می‌شود: مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیشتر و فرصت‌های پیشرفت، وضعیت نسبتاً خوبی دارند؛ و مشاغل بخش دوم با مزد کم، تأمین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت.

در مورد بخش اول، ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد و جابجایی بیشتری که در زنان مشاهده می‌شود به این معناست که احتمال جذب آن‌ها به مشاغل بخش دوم بیشتر است؛ از این رو حتی اگر کیفیت نیروی انسانی قبل از ورود به شغل برابر باشد، احتمال به کار

گماردن مردها در مشاغل بخش اول که امکان پیشرفت بعدی در آنها از لحاظ مزد و آموزش حرفه‌ای و ترفیع زیادتر است، بیشتر از زن‌هاست. این نظریه می‌تواند تبعیض جنسی - شغلی عمودی را نیز به خوبی تبیین کند؛ یعنی در یک شغل مشابه، مردان نسبت به زنان از موقعیت بالاتری بهره‌مند می‌شوند؛ و البته با نگاه جنسیتی به زنان که فرض اصلی در نظریه جنسیتی این است که موقعیت زنان در بازار کار، خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط بوده و جزئی از یک نظام کلی اجتماعی است که در آن زنان، تابع مردان هستند. نکته مهم در این نظریه‌ها، اختصاص کار خانگی به زنان - به‌ویژه مراقبت از کودکان - است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که گرایش «مشاغل زنانه» انعکاسی از نقش خانگی زنان است و درست همان‌طور که در بیشتر جوامع، کار خانگی زنان کم‌ارزش تلقی شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم‌ارزش‌اند. با غلبه نگاه جنسیتی متوجه می‌شویم که بیشترین مشاغل پذیرفته برای زنان در بخش بهداشت و آموزش و پرورش است و بیشترین کارکنان زن در این دو حوزه هستند. اهمیت شغل تا به آنجاست که موارد دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر زنی شاغل باشد، نیاز به خدمات اجتماعی مخصوص ندارد و اگر تحصیل کرده باشد، تمایل دارد تا در رشته تحصیلی خود شغلی داشته باشد.

منابع

- احمد، لیلیا (۱۳۹۴). *زنان و جنسیت در اسلام؛ ریشه‌های تاریخی جدال امروزی*. ترجمه فاطمه صادقی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- اسفندیاری، مرضیه، دهمرده، نظر و کاوند، حسین (۱۳۹۳). بازار کار دو گانه در چهارچوب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی برای اقتصاد ایران. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۴(۱)، ۲۳۸-۲۱۷. [doi: 20.1001.1.17356768.1393.14.1.8.7](https://doi.org/10.1001.1.17356768.1393.14.1.8.7)
- حمصی رازی، محمود بن علی (۱۳۸۵). *المنقذ من التقليد*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- سروش، مریم و حسینی، مریم (۱۳۹۲). جهانی شدن، هویت مستقل از خانواده و سبک زندگی زنان شهری. *فصلنامه زن و جامعه*، ۴(۱۳)، ۷۶-۵۳.

https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_35.html

- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان. پژوهش زنان، ۱ (۷)، ۱۴۱-۱۷۶.
https://jwdp.ut.ac.ir/article_11371.html
- صادقی، فاطمه (۲۰۱۱). زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب. لندن: نشر زن و قوانین در جوامع مسلمان.
- کار، مهرانگیز (۲۰۰۷). قانون‌گذاری درباره حقوق زن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. سوئد: نشر باران.
- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱ (۷)، ۵-۳۰.
https://jwdp.ut.ac.ir/article_11366.html
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
- مشروح مذاکرات مجلس سنا، دوره چهارم، جلسه ۳۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، چهارم و بیست و یکم.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۹۳.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۸.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره چهارم، جلسه ۲۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۲۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۴۵۰.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۹۹.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره بیست و یکم، جلسه ۷۹.
- وسمقی، صدیقه (۱۳۸۷). زن، فقه، اسلام. تهران: انتشارات صمدیه.